



آزمون نوبت اول (۱)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

- الف) به ترتیبی نهاده وضع عالم // که نی یک موی باشد بیش و نی کم
 ب) من به آغاجی خادم می‌دادم و خیر خیر جواب می‌آوردم.
 ج) کزین پس به کنجی نشینم چو مور // که روزی نخوردند پیلان به زور
 د) و امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود.

ب) املائی واژگان

غلط‌های املائی را بیابید و آن‌ها را اصلاح کنید.

- الف) چون موسم حج رسید، برخواست / اشتر طلبید و مهمل آراست
 ب) سپیده فردای گنجه با نجیب و سفیر گلوله‌های توپ روس، باز شد.
 ج) بانگ و هزاهز و قریو خواست.

ج) دستور

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

- الف) یقین مرد را دیده بیننده کرد.
 ب) فتحعلی شاه بر تخت نشست.

نوع فرآیند واجی به کار رفته در کلمات زیر را مشخص کنید.

- الف) دسترسی ب) ماست‌بندی ج) پلکان د) سبزیجات

شکل همزه در کلمه زیر به چه صورت است؟ آن را بنویسید.

متلالی

واژگان زیر را از نظر ساخت بررسی کنید. (ساده، وندی، وندی- مرکب، مرکب)

- الف) خودکار ب) آسمان ج) راهرو د) بیمارستان

الگوی هجایی کلمات زیر را بنویسید.

- الف) ابر ب) کارد

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

- الف) فروماند در لطف و صنع خدای
 ج) مشتاقانه و مصمّم قدم برمی‌داشتند.
 ه) این صلت فخر است.
 ب) زنخدان فرو برد چندی به جیب
 د) ز تن‌ها سر، ز سرها خُود افکند



آزمون نوبت اول (۳)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

- الف) به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم // بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا
ب) تب سوزان و سرسامی افتاد، چنان که بار نتوانست داد و محبوب گشت از مردمان
ج) سراچه دهنم آماس می کرد.
د) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد // گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

ب) املاي واژگان

در عبارت های زیر غلط های املايي را بیايد و آن ها را اصلاح کنید.

الف) ناچار با اصرار همراهان به غونیه بازگشت.

ب) نیروی همت و بازوی همیت کشند، نه به قوت تن.

ج) این سلت فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.

ج) دستور

نوع فرآیند به کار رفته در کلمات زیر را مشخص کنید.

- الف) قندشکن ب) دوستدار ج) زندگی د) دستمال

معنای فعل «شد» را در عبارات زیر بنویسید.

الف) یقین مرد را دیده بیننده کرد // شد و تکیه بر آفریننده کرد

ب) قطره بارانی ما گوهر یکدانه شد.

در عبارت زیر، فعل را به مجهول تبدیل کنید؛ سپس نهاد را در جمله مجهول مشخص کنید.

«پس از نماز، امیر کشتی ها بخواست»

الگوی هجایی کلمات زیر را بنویسید.

الف) قلم ب) دست

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) آغاجی خادم را گفت: کیسه ها بیاور. ب) پدر جلال الدین محمد، خطیبی دانشمند بود.

ساخت دستوری کلمات زیر را بررسی کنید. (ساده، وندی، وندی - مرگب، مرگب)

الف) رفتار ب) دانشمند

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) تا خویشتن را ضیعتی حلال خرنند.

ج) زرخدان فرو برد چندی به جیب

ه) پدر ما از غزو هندوستان آورده است.

ب) دوست نداشتم احساس طرد شدن کنند.

د) بازگشتم با نامه توقیعی

و) یک قبضه خاک از زمین برگرفت.

آزمون نوبت اول (۴)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

- الف) خویشان همه در نیاز با او // هر یک شده چاره‌ساز با او
 ب) رفیقی خوش خلق و بذله‌گو که عندلیب انجمن انس ما محسوب می‌شد.
 ج) دگر روز باز اتفاق افتاد // که روزی رسان قوت روزش بداد
 د) و نیک کوفته شد و پای راست افگار شد.
 ه) حُسن سیرت را با صباحت توأم داشت.
 و) شعری در مدح گیوهٔ من بگویند، بدانم قوت طبع شما تا چه پایه است.

ب) املاي واژگان

در عبارت زیر غلط‌های املايي را بیايید و آن‌ها را اصلاح کنید.

- الف) به منزلهٔ شیر «آقوز» بود برای طفل که پایهٔ عضله و استخوان‌بندی او را می‌نهد.
 ب) با نهایت سراحت و سادگی بیان می‌کردند.
 ج) با این همه، حضرت قنا، دیگری را به جای او نخواند.

ج) دستور

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

- الف) خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف آلود // دل شب می‌درید و پیش می‌رفت
 ب) با کشته شدن آغا محمدخان، فتحعلی شاه بر تخت سلطنت نشست.

نوع وابسته‌های گروه‌های اسمی زیر را بنویسید.

الف) چند نفر از مردم آمدند.

ب) بوی خون جواد تا فراز قلّه‌های قفقاز می‌رفت.

نوع فرآیند واجی به کار رفته در کلمات زیر را مشخص کنید.

- الف) آهن‌آلات ب) رانندگی ج) قندشکن د) دسترس

ساخت دستوری کلمات زیر بررسی کنید. (ساده، وندی، وندی- مرکب، مرکب)

- الف) پاک‌کن ب) جوان ج) گیره

الگوی هجایی کلمات زیر را بنویسید.

- الف) صادق ب) رخ

واج را تعریف کنید.

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

- الف) همه ادب‌ارها اقبال گردد
 ج) تا خویشان را ضیعتکی حلال خرنند.
 ه) تحفهٔ برخورد فرهنگ شرق با غرب است.
 ب) بانگ هزارهز و غریو خاست.
 د) فروغ خرگه خوارزمشاهی



آزمون نوبت دوم (۴)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

الف) که ناگاه عمرو آن سپهر نبرد // برانگیخت ابرش برافشاند گرد

ب) گرازان به تگ ایستاد، تا ایشان را به ضبط آرد.

ج) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرج بردند.

د) شقایق بر یکی پای ایستاده // چو بر شاخ زمرد، جام باده

ه) خوان عدل خود بر همگان گسترده

و) عشق، حالی دو اسبه می‌آمد.

ب) املاي واژگان

غلط‌های املاي را بیابید و آن‌ها را اصلاح کنید.

الف) توازن قوای دو کشور همسایه و برتری و چیره‌گی کشور رقیب بود.

ب) بر سر هم نکبت بار، آری از هرگونه امکان آسایش.

ج) پس آن‌گه باستاد هم‌رزم خاست

ج) دستور

نوع صفت‌های بیانی کلمات زیر را بررسی کنید.

الف) کوشا (ب) زرّین (ج) شکفته

در گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته‌های پیشین و پسین را مشخص کنید.

الف) استاد معین، فرهنگ زبان فارسی را نوشت.

ب) ز هر کشوری مهتران را بخواست

نوع فرآیند واجی به کار رفته در کلمات زیر را مشخص کنید.

الف) پلکان (ب) شنبه (ج) دسترس

«مضارع التزامی» و «ماضی نقلی» فعل «خوردند» را بنویسید.

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) خداوند، تو داناتری، خاک تن در نمی‌دهد، میکائیل را فرمود: «تو برو»

ب) «سلطان ولد»، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد.

دو کلمه مثال بنزید که شکل همزه آن در پایان باشد.

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) به توقیع، مؤکد گشت و مبشّران برفتند.

ج) بپوشند هنگام زخم درای

ه) مادرم شمااتم می‌کرد.

ب) گویی در پالیز سعدی می‌چریدیم.

د) تا نظر او از ما منقطع گردد و خایب باز گردد.

و) خوان عدل خود را بر همگان گسترده



آزمون نوبت دوم (۶)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

الف) کسی کاو هوای فریدون کند // دل از بند ضحاک بیرون کند

ب) الهی، ز عصیان، مرا پاک کن // در اعمال شایسته، چالاک کن

ج) پرواز شدند و پر گشودند به عرش // هر چند که دست بسته بودند آن‌ها

د) اهمال جانب من جایز نشمری و از ضمیر، بدان رخصت نیابی.

ه) و بر سبیل اعتذار بر زبان براند.

و) آسمان با هفت دست گرم و پنهانی دف می‌زند.

ب) املائی واژگان

غلط‌های املائی را بیابید و آن‌ها را اصلاح کنید.

الف) با بازان و یوزان و هشتم؛ تا چاشتگاه به سید مشغول بودند.

ب) فرمود که آن را هیچ خذانه لایع نیست، الّا حضرت ما.

ج) بیامد به درگاه سالار نو // بدیدندش آن جا و برخواست قو

ج) دستور

نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) هر درختی را ثمره معین است. ب) پسرک آوازخوانان از پهلوی ما گذشت.

الگوی هجایی کلمات زیر را بنویسید.

الف) کاشت ب) ارباب

ساخت دستوری کلمات زیر را بررسی کنید.

الف) سنگر ب) گلدان ج) دندان گرد

کلمات «پلکان» و «ماست‌بندی» جزء کدام یک از فرآیندهای افزایشی و کاهشی واج هستند؟

نوع «را» را در عبارات زیر بررسی کنید.

الف) حکیمی را گفتند. ب) بروید ای حریفان، بکشید یار ما را

کلمات زیر، جزء کدام یک از صفت‌های بیانی می‌باشند؟

الف) زیبا ب) شنونده ج) روحانی

در عبارت «استاد معین، فرهنگ زبان فارسی را نوشت» شاخص را بیابید.

د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) در خانه‌اش چفت و کلونی ندارد.

ج) در قفای ایشان است.

ه) کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

ب) به معونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم.

د) با دهای تمام و خرد بسیار

و) بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا



آزمون نوبت دوم (۷)

الف) معنی شعر و نثر

معنی اشعار و عبارات زیر را بنویسید.

الف) در این بود درویش شوریده رنگ // که شیری برآمد، شغالی به چنگ

ب) مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

ج) هم آنگه یکایک ز درگاه شاه // برآمد خروشیدن دادخواه

د) چو شیر خدا راند بر خصم، تیغ // به سر کوفت شیطان دو دست دریغ

ه) اگر از گشادن عقده‌های من آغاز کنی، ملول شوی.

و) و سیرت ستوده در موالات تو صافی تر گردد و ثقت دوستان به عهد کرم تو بیفزاید.

ب) املاي واژگان

غلط‌های املاي را بیايید و آن‌ها را اصلاح کنید.

الف) هلال بی شبهت باشد، از این فرماییم؛ اندک مایه ضیعتی دارند.

ب) رفیعی خوش خلق و بذله‌گو که اندلیب انجمن انس ما محسوب می‌شد.

ج) و در محوطه آفتابی انقلاب، عبدی شد.

د) ناگاه مردی از کناره ای درآمد و نبرد خاست، خلق در وی حیران شدند.

ه) مطوّقه چون بدید صیّاد در غفای ایشان است.

و) من فلا کردم و روزی که پیرزن نبود، رفتم سر بغچه اش.

ج) دستور

جمله معلوم زیر را به جمله مجهول تبدیل کنید.

«حسین علی را دید.»

بیت «گفتند به اتفاق یک‌سر // کز کعبه گشاده گردد این در» را از لحاظ اجزای جمله به زبان معیار مرتب کنید.

نوع فعل‌های زیر را (ماضی و مضارع) مشخص کنید.

الف) می‌گویم ب) خورده بودم ج) می‌نوشتم د) دیده‌ام

برای واژگان زیر در گذر زمان، کدام یک از وضعیّت‌های چهارگانه پیش آمده است؟

الف) کنیف و سوگند ب) سپر و یخچال

نوع واو عطف و ربط را در عبارت‌های زیر بیايید.

الف) علی و زهرا آمدند.

ب) حسین بیدار شد و به مدرسه رفت.

در عبارت رو به رو، فعل به چه قرینه ای حذف شده است؟ «همه رفتند و علی نیز»

سه مورد از وابسته‌های پیشین را با ذکر مثال بنویسید.

آزمون نوبت دوم (۱۰)

(د) معنی واژه

معنی لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) اشتر طلبید و محمل آراست.

ب) یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت.

ج) به عصیان سراپای آلودهام

د) از شعف زندگی لرزش خفیفی بر اندام خود احساس کردم.

ه) با دهای تمام و خرد بسیار

و) گوی، بد نژادی، دلیر و سترگ

(ه) آرایه‌های ادبی

ابیات و عبارات زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

الف) کزین پس به کنجی نشینم چو مور // که روزی نخوردند پیلان به زور

ب) همه سوی دوزخ نهادید روی // سپردید دل‌ها به گفتار اوی

ج) با جوانان چو دست بگشادی // پای گردون پیر بریستی

د) برگ درختان مثل سربازان تیرخورده تک تک می‌افتادند.

ه) شرق از آن خداست // غرب از آن خداست

و) گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند.

(و) درک مطلب

مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

الف) که سعیت بود در ترازوی خویش
ب) قلم در نهادن

انگیزه کاوه در قیام علیه ضحاک چه بود؟

در داستان قصه عینکم، «عینک و تعلیمی» نشانه چیست؟

عبارت «از چنبر نفس، رستم» به چه مفهومی تأکید دارد؟

(ز) تاریخ ادبیات

نام نویسندگان یا شاعران آثار زیر را بنویسید.

الف) سه دیدار
ب) در امواج سند

دو تن از شاعران رباعی سرا را نام ببرید.

(ح) حفظ شعر

موارد خواسته شده را بنویسید.

الف) ----- // خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

ب) ----- // عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

ج) کنم جان خود را فدای وطن // -----

۱/۵

۰/۵

۰/۵

۰/۵

۰/۲۵

۰/۲۵

۰/۵

۱/۵

۱

۰/۷۵

۰/۷۵

۰/۵

۰/۵

۱/۵

۵

الف) زور آزمایی: کاهش ← زور آزمایی
(ب) سازندگی: افزایش ← سازنده + ی
(ج) بازوان: افزایش ← بازو + وان

۶

الف) دوست (اسم) + دار (بن مضارع از مصدر داشتن): مرگب
(ب) بو (اسم) + ستان (پسوند): وندی
(ج) دندان: ساده

۷

الف) ستان: صامت + مصوّت کوتاه + صامت + مصوّت بلند + صامت
(ب) آسمان: صامت + مصوّت بلند + صامت + مصوّت کوتاه + صامت + مصوّت بلند + صامت

۸

الف) بر: کنار، روی، سینه
(ب) زنبورک: توپ‌های جنگی کوچک که در زمان قاجار و صفویه روی اسب می‌گذاشتند.

(ج) صفیر: بانگ، فریاد و آواز (د) پرتلیس: فریبکار
(ه) تازی: عرب‌زبان (و) حمیت: مردانگی، جوانمردی

۹

الف) سر نشتر عشق: اضافه تشبیهی / رگ روح: اضافه استعاری / قطره استعاره از معرفت

(ب) بازو: مجازاً قدرت و نیرو / سعی: مجازاً قدرت و دسترنج / مصراع دوم: کنایه از این که به اندازه تلاش بهره‌مند می‌شوی.

(ج) تشبیه جلال‌الدین خوارزمشاه به آتش / تشبیه تفضیل: سوزنده‌تر از آتش / کنایه: آتش در چیزی افتادن کنایه از نابود شدن

۱۰

الف) زیبا و تنومند (ب) تجاوز کردن
(ج) نجات یافتن از مرگ (د) آماده شدن برای انجام کاری

۱۱

شیر: افراد توانمند و مستقل - روباه: افراد ناتوان و وابسته به دیگران

۱۲

به این دلیل که دل آدم (ع) جایگاه عشق خداوندی و تجلی‌گاه حق است.

۱۳

دانش و صنعت

۱۴

باور به برپایی روز قیامت و حساب و کتاب

۱۵

الف) ابوالفضل بیهقی (ب) وحشی بافقی
(ج) محمد بن منور (د) مجید واعظی

۱۶

الف) رفت بر این قاعده روزی سه چار
(ب) کرد فرامش ره و رفتار خویش
(ج) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

پاسخ آزمون نوبت اول (۳)

فارسی (۲)

۱

الف) اگر به خاطر طمع و نیاز، شربتی نوشیدم، جسارت کردم، مرا بازخواست نکن که خطا کردم زیرا در بیابان، در فصل تابستان، با تشنگی زیاد درحالی که دچار بیماری تشنگی و عطش زیاد بودم، آب سرد و گوارا نوشیدم.

(ب) دچار تب شدید و سردردی شد، به‌طوری که نتوانست اجازه ملاقات بدهد و از دید مردم پنهان شد.

(ج) ذهنم از دریافت معانی اشعار ورم می‌کرد. (از فهم مطالب و معانی پر می‌شدم).

(د) هنگام مرگ که مرا در تابوت بگذارند و به سوی قبرستان ببرند، گمان مکن که من غم دوری از دنیا و تعلقات آن را می‌خورم.

۲

الف) قونیه (ب) حمیت
(ج) صلت

۳

الف) کاهش: قندشکن ← قن‌شکن
(ب) کاهش: دوستدار ← دوسدار
(ج) افزایش: زندگی ← زنده + ی
(د) کاهش: دستمال ← دسمال

۴

الف) رفت (ب) تبدیل شد

۵

پس از نماز، کشتی‌ها خواسته شد.
نهاد: «امیر» حذف شد و «خواست» به فعل مجهول «خواسته شد» تبدیل شد.

۶

الف) قلم: صامت + مصوّت کوتاه + صامت + مصوّت کوتاه + صامت
(ب) دست: صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت

۷

الف) آغاجی خادم: متمم
(ب) محمد: بدل

۸

الف) رفتار: رفت (بن ماضی) + ار (پسوند) ← وندی
(ب) دانشمند: دان (بن مضارع) + ش + مند (پسوند) ← وندی

۱۴

الف) عطار نیشابوری (ب) نظامی گنجه‌ای

۱۵

ناگور، گوته، ریچارد باخ، جبران خلیل جبران

۱۶

الف) در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری // آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید // آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد

(ب) منم پور ایران و نام آورم // ز نیروی شیران بود گوهرم

فارسی (۲) پاسخ آزمون نوبت دوم (۵)

۱

الف) قضای آسمانی و تقدیر، مرا در این گودال هلاکت انداخت.

(ب) همه رزم‌آوران سر خود را پایین انداختند و کسی برای جنگ با او داوطلب نشد.

(ج) وقتی که عمرو قوی‌هیکل در خاک افتاد و مُرد، جبرئیل (ع) بر دست علی (ع) بوسه زد.

(د) اگر با اطاعت و میل و رغبت نیاید، با زور و اجبار او را بیاور.

(ه) باطن مورد ستایش در دوستی با تو خالص‌تر می‌گردد و اعتماد دوستان به پیمان بزرگواری تو بیشتر می‌شود.

۲

الف) فراغ - وقیعت (ب) قلا

(ج) مُهملی (د) رُقعتی - زَر

۳

به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی از فهرست واژگان امروزی حذف شده‌اند.

۴

الف) واو ربط (ب) واو عطف

۵

می‌خواهند: مضارع اخباری / داشتند می‌خواهیدند: ماضی مستمر

۶

صفت بیانی - مضاف‌الیه

۷

الف) سنبِل ← سَمبِل (ب) نَمی‌ترسد ← نِمی‌ترسد

۸

الف) شاهد آرزو: نهاد

(ب) قفل بزرگ تیرگی: مفعول / دستش: متمم

۹

الف) نام: صامت + مصوّت بلند + صامت

(ب) پشت: صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت

(ج) آشوب: صامت + مصوّت بلند + صامت + مصوّت بلند + صامت

۱۰

الف) خطوات: جمع خطوه: گام‌ها، قدم‌ها

(ب) صنم: بت

(ج) رایت: بیرق، پرچم

(د) شماتت: سرزنش، سرکوفت

(ه) وزر: گناه

(و) شرارت: فتنه‌انگیزی

۱۱

الف) پا فشردن: کنایه از خشم و بهت / مصراع دوم: کنایه از ناراحتی

زیاد / چون کوه: تشبیه

(ب) خوان عدل: اضافه تشبیهی

(ج) گوهر محبت: اضافه تشبیهی / صدف امانت: اضافه تشبیهی

(د) جناس: راست و ماست / هفت کشور: مجازاً همه جهان / تناسب: رنج و سختی

۱۲

الف) سخن نگفتن

(ب) وابسته بودن

(ج) عمیق بودن

(د) نجات یافتن از مرگ

۱۳

ضحاک در اوستا موجودی است سه پوزه سه سر شش چشم، دیوزاد و مایه آسیب آدمیان و فتنه و فساد.

۱۴

الف) گوته

(ب) نجف دریابندری

(ج) رسول پرویزی

(د) ابوالمعالی نصرالله منشی

۱۵

الف) عشق افا کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟

(ب) در هوای عشق تو پر می‌زند با بی‌قراری

(ج) منم پور ایران و نام آورم

فارسی (۲) پاسخ آزمون نوبت دوم (۶)

۱

الف) کسی که از فریدون حمایت کند، باید از حکومت ضحاک بی‌زاری جوید.

(ب) خداوند، گناهانم را پاک کن و مرا در انجام اعمال صالح، نیرومند گردان.

(ج) شهیدان غوّاص درحالی که دست بسته و اسیر بودند، به سوی آسمان پرواز کردند.

(د) کوتاهی را از طرف من ندانی و اجازه نداری به آن فکر کنی.

(ه) و با زبان عذرخواهانه سخن گفت.

(و) آسمان با هفت طبقه آسمانی‌اش خوشحالی می‌کرد. (همه‌جا شادی برقرار بود.)

۲

الف) حَسَم - صید

(ب) خزانه - لایق

(ج) برخاست - عَو

۵	الف) ماضی نقلی ج) مضارع التزامی	ب) مضارع اخباری د) ماضی مستمر
۶	الف) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه می‌دهند. ب) به دلایل سیاسی، فرهنگی و مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شده‌اند.	
۷	الف) واو ربط ب) واو عطف	
۸	حذف به قرینه لفظی	
۹	مغرب: متمم / سینه‌مالان: قید حالت / قرص خورشید: نهاد	
۱۰	الف) حلاوت: شیرینی ج) رفعت: بلندی ه) قلا: کلک زدن	ب) صنع: آفرینش د) قبا: بالاپوش، ردا و) خایب: ناامید
۱۱	الف) پالیز سعدی: استعاره از آثار سعدی مثل بوستان، گلستان و کلیات سعدی ب) بنای زندگی بر آب دیدن: کنایه از نابود شدن زندگی / بنای زندگی: اضافه تشبیهی ج) سردرگریان فرو بردن: کنایه از خجل و شرمندگی بودن / مصراع دوم: کنایه از اینکه کسی نبود که با او بجنگد د) رخ کفر: اضافه استعاری و جان‌بخشی / کفر: مجازاً عالم کفر / رنگ پریدن: کنایه از ترسیدن / رنگ و فرنگ: جناس ه) شیرین‌زبان: حس‌آمیزی و) تشبیه: لاله مانند چراغی است / مصراع دوم: حسن تعلیل (علت سیاهی لاله) / لاله: ایهام تناسب (۱- گل لاله ۲- نوعی چراغ که با دود تناسب دارد).	
۱۲	الف) زیاد تخیل می‌کردم. ج) ترسیدن	ب) پیر شدن د) بخشنده بودن
۱۳	شعله: نماد روشنگری و افراد خیرخواه - چراغدان: روشنگران و رهبران خوب جامعه	
۱۴	بابا افضل کاشانی، مولوی، خیم و ...	
۱۵	الف) تاگور ب) نجم‌الدین رازی	

۱۰	الف) سریع رفتن ج) سخن گفتن	ب) تنومند بودن د) به یاد کسی افتادن
۱۱	عشق به میهن، امید، شجاعت و درایت او	
۱۲	اهریمن و بیدادگر و ظالم و خبیث بودن	
۱۳	همکاری و اتحاد با همدیگر	
۱۴	خیام، عطار، مولوی، بابا افضل کاشانی	
۱۵	الف) باذل مشهدی ب) مجد خوافی	
۱۶	الف) بیا عاشقی را رعایت کنیم // ز یاران عاشق حکایت کنیم. از آنان که خونین سفر کرده‌اند // سفر بر مدار خطر کرده‌اند ب) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست // آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست	
فارسی (۲) پاسخ آزمون نوبت دوم (۹۱)		
۱	الف) برای من که مرده‌ام گریه و افسوس نکن، افسوس آن زمانی است که به گناه آلوده شوی. ب) سریع و بدون فکر از امیر معزی تقلید کنید و شعری در ستایش کفش من بسرایید. ج) آن‌ها از تعلقات و خودخواهی‌ها و لذت‌های جسم رها شده بودند و مادیات دنیایی را نادیده گرفته بودند. د) از ترس ضحاک همه افراد درستکار در تأیید استشهاده‌نامه دروغین، همراه شدند و آن را قبول کردند. ه) دانش در همه زمینه‌ها مناسب است و دانشمند در آن علم، پیروز است. و) در آن مرغزار شکارهای بسیاری انجام می‌شود و رفت‌وآمد شکارچیان در آنجا زیاد است.	
۲	الف) حمیت ج) مسامحه ه) هلهله	ب) قضا د) بگذار و) حسب
۳	چندان صدقه دادند (جمله پایه و هسته) که (حرف پیوند ساز) آن را اندازه نبود (جمله پیرو)	
۴	خیرخیر: قید تکرار	

لغات مهم املا و معنا

حلاوت	شیرینی	چنگ	نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارهایی دارد که با انگشت نواخته می‌شود.
نژند	اندوهگین، خوار	دغل	مکر و ناراستی
قرین	همراه	دون‌همت	دارای طبع پست، تنبل
وضع	حالت، روش	زنخندان	چانه
تیره‌رایی	ناراستی، بداندیشی	قوت	خوراک
اقبال	خوشبختی، سعادت	تیمار خوردن	غم خوردن
ادبار	بدبختی	جیب	گریبان، یقه
توفیق	آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده مهیا کند تا او به نتیجه دلخواه برسد.	شد	در این جا به معنی رفت
صنع	آفرینش	شوریده‌رنگ	آشفته‌حال

آرایه‌های مهم

زبان: مجازاً سخن - بیت «بلند آن سر، که او خواهد بلندش // نژند آن دل، که او خواهد نژندش»: تلمیح به آیه ۲۶ سوره آل عمران ﴿تُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشَاءُ﴾ - مصراع «که نی یک موی باشد بیش و نی کم»: کنایه از دقت زیاد - پا یک سو نهادن کنایه از دور شدن - نگون‌بخت: کنایه از بدبخت - مصراع «زنخندان فرو برد چندی به جیب»: کنایه از انتظار کشیدن - ایهام تناسب: چنگ (۱- نوعی ساز ۲- پنجه دست که با رگ و استخوان و پوست تناسب دارد) - به کنج نشستن: کنایه از بیکاری - شیر درنده: استعاره از قدرتمندی - به سر بردن: کنایه از گذراندن - شیر و روباه: نماد قدرتمندی و ناتوانی - خود را افکندن: کنایه از ناتوانی - دو سرا: استعاره از دنیا و آخرت - بازوی حمیت: اضافه استعاری

دستور

حلاوت‌سنج و چاشنی‌بخش: کلمه مرگب - در کلمه نژندش، مرجع ضمیر «ش»، خداوند - دریا بسته: ترکیب وصفی - برای تشخیص تعداد جملات یک متن کافی است به شمارش تعداد فعل، شبه‌جمله و منادا بپردازیم - فرو ماند: فعل پیشوندی - دگر روز: روز دیگر - دستور تاریخی - روزی‌رسان: وندی مرگب - بیننده: صفت فاعلی (بن مضارع + نده) - ضمیر «ش» در چنگش، مضاف‌الیه و جهش ضمیر: چو چنگ رگ و استخوان و پوستش - ضمیر «ش» در محرابش، مضاف‌الیه و جهش ضمیر: ز دیوار محراب آمد به گوشش
در مصرع «چه باشی چو روبه به وامانده سیر» «چه باشی» (نباش): استفهام انکاری که صورت سؤال مثبت و جواب منفی است - در مصراع «بخور تا توانی به بازوی خویش» فعل «بخور» بر اجزای جمله مقدم شده است. (شیوه بلاغی) - آسایش: وندی - کرم ورزد (کرم می‌ورزد): مضارع اخباری - در معنی واژه به رابط‌های معنایی توجه شود، ماه، طولانی بود و ماه، تابناک بود. ماه اول به معنی ماه تقویمی و ماه دوم قمر و ماه آسمان است.

تاریخ ادبیات

وحشی‌باقی: از شاعران معروف مکتب وقوع است. آثار او: مثنوی‌های «فرهاد و شیرین»، «خلد برین» و «ناظر و منظور»
سعدی: از معروف‌ترین شاعران سبک عراقی است. آثار او: «بوستان»، «گلستان» و «کلیات»
عبدالرحمن جامی: از شاعران مشهور سبک عراقی است، آثار او «هفت اورنگ»، «نفحات الانس»، «لوامع» و «بهارستان» که به تقلید از گلستان سعدی سروده شده است.

درس پنجم | آغازگری تنها

لغات مهم املا و معنا

میان بالا	دارای قامت متوسط	رمق	توان
سینه فراخ	خوش اندام	مقرّر	معلوم
بر	سینه، پهلوی	رغبت	میل
چنبره زدن	حلقه زدن، حلقه دایره‌ای شکل زدن	شایق	آرزومند، مشتاق
دست‌اندازی	تجاوز	اهتزاز	افراشته شدن
دارالسلطنه	پایتخت، محل اقامت پادشاه	تدارک	جبران کردن، فراهم کردن
اعطا	واگذاری	جنون	شیفتگی
توازن	تعادل	افسار گسیخته	بی‌نظم
رقیب	رقابت‌کننده	سرسپردگی	تسلیم شدن
زنبورک	نوعی توپ جنگی کوچک که در زمان صفویه و قاجاریه روی شتر می‌بستند	رزم	جنگ
قاطر	استر، حیوانی بزرگ‌تر از خر و کوچک‌تر از اسب برای بارکشی	بزم	جشن
رعیت	عامه مردم	طرد شدن	رانده شدن
اذن	اجازه، فرمان	افراط	از حد گذشتن
طوایف	ج طایفه، گروه‌ها	منزوی	گوشه‌گیر
مصمم	با اراده	مهیّب	ترسناک
تنوره کشیدن	در حال پریدن و چرخیدن	درایت	آگاهی
نهیب	فریاد، هراس	کارساز	مؤثر
صغیر	بانگ و فریاد	کری‌خوانی	رجز خواندن
فوران	جوشش	اعجاب	شگفتی
تصرف	تسلط، چیرگی	علی‌رغم	با وجود
آز	طمع	تسخیر	تصرف کردن
التهاب	برافروختگی	قشون	لشکر
پیش‌مرگی	فدا شدن	اجنبی	بیگانه
لعب	روکش	کورسو	نور اندک

آرایه‌های مهم

در هم رفتن چهره: کنایه از اخم و ناراحتی - شکفته شدن چهره: کنایه از خوشحالی - دل بردن: کنایه از شیفته کردن - شکفتن صبح: استعاره از دمیدن صبح - تشبیه: روس‌ها (مشتبه) مثل (ادات) مور و ملخ (مشتبه به) پراکنده شدند (وجه شبه) - بار خفت: اضافه تشبیهی - سینه سپر کردن: کنایه از ایستادگی - اجساد زمین را پوشانده بود: کنایه از بسیاری اجساد - نگاه دوختن: کنایه از به جایی خیره شدن و با تعجب نگاه کردن - پایان تلخ: حس آمیزی - قربان صدقه رفتن: کنایه از اظهار محبت و دوستی - جیک هیچ کس در نمی‌آمد: کنایه از این که از هیچ کس صدایی خارج نمی‌شد - بی‌رنگی: کنایه از بی‌تأثیری - زیر پا گذاشتن: کنایه از نادیده گرفتن - حضور سنگین: حس آمیزی - حریم زندگی: اضافه استعاری

دستور

آقا محمد خان: «آقا»: شاخص - همسایه شمالی ایران یعنی «روسیه»: روسیه: بدل - سینه فراخ: مرگب - بر تخت نشستن: کنایه از شاه شدن - پیشگامی حاکم شهر، جواد خان... «جواد خان...»: بدل است - سلاح‌های پیشرفته: ترکیب وصفی - مخلصانه: وندی - عهدنامه: مرگب - جان بر کف: کنایه از فداکار - حاج آقا کرامت شیرازی: «حاج آقا»: شاخص

- ۲- صفت تعجبی: عجب هوایی!
- ۵- صفت شمارشی اصلی: یک روز
- ۷- صفت عالی: بهترین روز

- ۱- صفت پرسشی: کدام روز
- ۳- صفت اشاره: آن روز
- ۶- صفت شمارشی ترتیبی (با پسوند «مین»): دومین روز
- ۸- شاخص: استاد معین وایسته

انواع وابسته‌های پیشین

شاخص: کلماتی هستند که غالباً بی‌فاصله، پیش از هسته می‌آیند؛ این کلمات در جای دیگر می‌توانند هسته گروه اسمی، مضاف‌الیه و ... قرار بگیرند که در این صورت شاخص محسوب نمی‌شوند. مانند ایشان، استاد (هسته) زبان هستند.

تاریخ ادبیات

مجید واعظی: از آثار او: «عبّاس میرزا، آغازگری تنها»، «سمفونی شکفتن»
کامور بخشایش: کتابی از خاطرات دوران اسارت علی اصغر رباط جزی در زندان موصل را نوشته و نام آن را «زندان موصل» گذاشته است.

درس چهاردهم / جمله‌حیدری

لغات مهم املا و معنا

دشمن	خصم	جویدن	خاییدن	هر دو نام خاص هستند و برای اینکه شکل نوشتاری آن‌ها با هم اشتباه نشوند به اولی یک حرف «و» می‌افزایند، اما این «و» خوانده نمی‌شود	عمرو (= عمر) و عمر
غرب اروپا در اصل فرانسه	فرنگ	میدان جنگ	آوردگاه	به حرکت درآورد	برانگیخت
بزرگ، مهیب	ژنده	پاره‌پاره	لخت‌لخت	اسبی که بر اعضای بدن او نقطه‌ها باشد، (در اینجا مطلق اسب است)	ابرش
پسر، فرزند	پور	نوعی جامه جلو باز که دو طرف جلوی آن با دکمه بسته می‌شود	قبا	میدان جنگ	رمزگاه
مشهور	نام‌آور	لباس جنگی	زره	یقه	گریبان
اصل، نژاد	گوهر	شیوه جنگ و حرب، آلت نزاع مانند شمشیر	آداب ضرب	خودداری کردن	امتناع
دین، مذهب	کیش	شیر	غضنفر	شیر	هزیر
اکسیر، ماده‌ای که به عقیده قدما می‌توانست مس را به طلا تبدیل کند و خاصیت درمانی نیز داشت	کیمیا	جانشین	وصی	ترس	سهم
آب دهان	خدو	دریا	یم	ترساک	سهمگین
		قلعه‌ای در نزدیکی مدینه که مقر یهودیان بود و در سال هفتم هجری امام علی (ع) آن را گشود	خیبر		

آرایه‌های مهم

کمر بستن: کنایه از آماده شدن - نظر گشودن: کنایه از دقت زیاد - حرف «که»: جناس تام (۱ - حرف پیوند ۲ - ضمیر پرسشی) - گرد برافشاندن: کنایه از حرکت با سرعت زیاد - آه‌نین کوه: استعاره از عمرو بن عبدود - نفس راست کردن: کنایه از آرام گرفتن - حبیب خدا: استعاره از پیامبر (ص) - مردان دین: استعاره از سربازان اسلام - سر در گریبان فرو بردن: کنایه از شرمندگی و ترس - ازدها: استعاره از عمرو بن عبدود - بازو: مجازاً قدرت - بازوی دین و شیر خدا: استعاره از حضرت علی (ع) - هزیر زیان، شه جنگجو: استعاره از حضرت علی (ع) - در صلح بستن: کنایه از جنگیدن - در صلح: اضافه تشبیهی - رنگ باختن: کنایه از ترسیدن - سهم: ایهام تناسب (۱ - ترس ۲ - بهره (بهره با باختن تناسب دارد)) - شیر و پلنگ: استعاره از حضرت علی (ع) و عمرو - سیه‌روز و بخت‌برگشته: کنایه از بدبخت بودن - عَلم کردن: کنایه از بالا بردن - پافشاردن: کنایه از خشم و ابهت - دندان به دندان ساییدن: کنایه از نهایت خشم داشتن - شاهد آرزو: اضافه تشبیهی - رخ نمودن: کنایه از نشان دادن - یم قدرت: اضافه تشبیهی - غضنفر: استعاره از حضرت علی (ع) - کار کسی را ساختن: کنایه از نابود کردن - خیبرگشا: تلمیح به واقعه فتح خیبر به دست حضرت علی (ع) - شاه دین: استعاره از حضرت علی (ع) - دست دریغ: اضافه استعاری - کفر: مجازاً عالم کفر - شیران: استعاره از پهلوانان دلیر - از جان گذشتن: کنایه از ایثار و شهادت - کیمیا بودن: کنایه از ارزشمند بودن - به باد رفتن: کنایه از نابودی

دستور

سپهر نبرد: ترکیب اضافی - آه‌نین کوه: ترکیب وصفی مقلوب (کوه آه‌نین) - آه‌نین: صفت نسبی و ون‌دی - جهان‌آفرین: صفت فاعلی مرگب مرگم - جنگجو: مرگب (جنگ + جو (جستن)) - برگشته‌بخت: ترکیب وصفی مقلوب - مرا اوج عزت: اوج عزت من: «را» فک اضافه

تاریخ ادبیات

بازل مشهدی: میرزا محمد رفیع معروف به رفیع‌خان، متخلص به «بازل» از شاعران پارسی‌گوی شبه قاره هند است. از آثار او: «حملة حیدری»، «اعتقادیه» و «دیوان اشعار» است. نظام وفا: وی متخلص به «حیا» است. از آثار او: «معراج دل و حدیث دل»، «منطق»، «حبیب و رباب» و... است.

آرایه‌های مهم

دو برادر مثل علم یزید: تشبیه - شیرین زبان: حس آمیزی - شیرین زبانی: کنایه از بیان گرم و شیوا - به رگ غیرت برخوردن: کنایه از ناراحت شدن - افسارگسیخته: کنایه از بی‌نظم - دریادل: کنایه از جوانمرد - سر به سر کسی گذاشتن: کنایه از مسخره کردن - دنیا را به کسی دادن: کنایه از خوشحالی زیاد - کاسه‌ای زیر نیم کاسه بودن: کنایه از وجود حيله و نیرنگ - قوز بالا قوز: کنایه از مشکل دو چندان (ضرب المثل) - به ترک دیوار خندیدن: کنایه از بی‌دلیل خندیدن - سر از پا نشناختن: کنایه از خوشحالی زیاد - مثل بلبل خواندن: ضرب‌المثل و کنایه از مهارت زیاد داشتن - دست انداختن: کنایه از مسخره کردن - کلاس گفتند: مجازاً بچه‌های کلاس - دست و پا را گم کردن: کنایه از هول شدن - از جا در رفتن: کنایه از عصبانی شدن - در سنگ اثر کردن کلام: کنایه از مؤثر بودن کلام - چرتکه انداختن: کنایه از حسابگری - در پرده ماندن: کنایه از تدبیر و سیاست - پرده برداشتن: کنایه از رفتار خالصانه و بی‌ریا - منبر رفتن: کنایه از موعظه کردن - خمیر شده: کنایه از فروتنی - پاسخ در آستین داشتن: کنایه از حاضر جواب بودن - غول بی‌شاخ و دم: استعاره از رضاخان - جهنم: استعاره از زادگاه رضاخان - سخنان نمکین: حس آمیزی و کنایه از شوخ‌طبعی - چیزی در چننه داشتن: کنایه از سواد داشتن - سر به زیر افکندن: کنایه از شرمندگی - شرط و شرع: جناس - سنگر عدل: اضافه تشبیهی - سنگر ظلم: اضافه تشبیهی - کلام پخته: کنایه از کلام سنجیده - کلام خام: کنایه از سخن نسنجیده - دل گرمی: کنایه از امیدواری - «که آتشی که نمیرد...»: تضمین مصرعی از حافظ - آتش: استعاره از شور انقلابی - سنگ روی سنگ بودن: کنایه از اتحاد و همدلی (ضرب المثل) - از چاله به چاه افتادن: کنایه از دچار مشکل بزرگ‌تر شدن

دستور

خانه اول: ترکیب وصفی - دایی جان میرزا غلامرضا: شاخص، میرزا غلامرضا: بدل از «دایی جان»

- ◆ وابسته‌های پسین
- ۱- مضاف‌الیه: روز میلاد، کتاب معلم
 - ۲- صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم (با پسوند ـ م):
 - ۳- صفت بیانی: روز خوب
 - ۴- نشانه جمع: روزها
 - ۵- نکره (ی): روزی
 - روز پنجم

تاریخ ادبیات

نادر ابراهیمی: داستان‌نویس معاصر ایرانی، از آثار او: «کوچه‌های کوتاه»، «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور می‌آید»، «حکایت آن اژدها»، «افسانه باران» و ...
رسول پرویزی: نویسنده داستان‌های کوتاه، از آثار او: «شلوارهای وصله‌دار»، «لولی سرمست» و ...

درس هفدهم خاموش‌دریا

لغات مهم املا و معنا

مهر	محبت	تجسم	در نظر آوردن	چاریا	حیواناتی که دو دست و دو پا دارند، مثل اسب و شتر و ...
زهار	آگاه باش	برزگر	کشاورز، دهقان	هیاهو	غوغا، هنگامه
واستادن	گرفتن	تهی	خالی		

آرایه‌های مهم

شعله: نماد روشنگری و استعاره از افراد خیرخواه - چراغدان: استعاره از حامیان گمنام - آفتاب: استعاره از فرصت‌های طلایی - ستاره: استعاره از فرصت‌های کوچک - دست از کار شستن: کنایه از کار نکردن

دستور

چراغدان: وندی - سپاسگزار: وندی مرگب - زهار: شبه‌جمله

تاریخ ادبیات

جبران خلیل جبران: شاعر لبنانی، از آثار او: «پیامبر و دیوانه»، «باغ پیامبر»، «موسیقی»، «سرگردان»، «خدایان زمین»، «دیوانه» و ...
تاگور: شاعر و فیلسوف هندی، از آثار او: «سلطان قصر سیاه»، «میوه جمع کن»، «اشعار خیبر»، «مذهب بشر»، «ماه نو و مرغان آواره» و ...

- ◆ انواع واو:
- واو عطف: حسین و علی رفتند.
 - واو ربط: زهرآلود آمد و علی با او رفت.